



بررسی نحوه مطالبه خسارت ناشی از اشتباه یا تقصیر قاضی در حقوق موضوعه ایران

علی احمدی فر* محمدحسین رجیبه** اکبر رجیبی***

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۸/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۲۴

چکیده

تقصیر یا اشتباه قاضی یکی از منابع مسئولیت مدنی در حقوق ایران می باشد. با وجود اینکه قوانین مختلفی از جمله (اصل ۱۷۱ قانون اساسی، ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۰، مواد ۱۳ و ۴۸۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، مواد ۲۵۵ لغایت ۲۵۹ قانون آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۹۲ و ماده ۳۰ قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰) این مسئولیت را شناسایی کرده‌اند، قوانین مذکور در خصوص نحوه مطالبه خسارت ناشی از اشتباه یا تقصیر قاضی مبهم می‌باشند. در این پژوهش با هدف بررسی این موضوع سعی در مطالعه آن در حقوق ایران داشته ایم. با بررسی مبانی فقهی و قانونی مسئولیت مدنی و بر اساس نتایج به دست آمده از این پژوهش در صورت تقصیر قاضی، شخصاً و در صورت اشتباه، دولت ملزم به جبران خسارت می‌شود. به منظور مطالبه خسارت، در هر دو صورت باید ادعای زیان‌دیده نخست در دادگاه عالی انتظامی قضات اثبات و پس از احراز اشتباه یا تقصیر توسط این دادگاه، دادگاه عمومی تهران با ورود در ماهیت دعوی و بررسی دلایل و مدافعات طرفین حسب مورد حکم به پرداخت خسارت توسط دولت یا قاضی و یا رد دعوی مدعی صادر می‌کند. واژگان کلیدی: تقصیر، اشتباه، خسارت، قاضی، مسئولیت مدنی.

* دانشجوی دکتری رشته حقوق کیفری و جرم‌شناسی، گروه حقوق دانشکده علوم انسانی، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران.

** استادیار گروه حقوق دانشکده علوم انسانی، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران.
نویسنده مسئول mhrinfo@yahoo.com

** استادیار گروه حقوق دانشکده علوم انسانی، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران.

مقدمه

جبران خسارت ناشی از تقصیر یا اشتباه قاضی بعنوان یکی از منابع مسئولیت در اصل ۱۷۱ قانون اساسی شناسایی شده است. مطابق این اصل در صورت تقصیر یا اشتباه قاضی و ورود خسارت زیان‌دیده می‌تواند مطالبه خسارت نماید. در صورت تقصیر، قاضی شخصاً مسئول جبران خسارت وارده می‌باشد و در صورت اشتباه خسارت بایستی توسط دولت جبران شود. پیرو تصویب این اصل قانون اساسی، قوانین مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ و ۱۳۹۲، آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۹۲ و نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰ به این موضوع پرداخته‌اند.

این قوانین به صورت کلی به امکان مطالبه خسارت پرداخته‌اند ولی در این خصوص که زیان‌دیده از چه طریقی بایستی اقدام به مطالبه خسارت نماید دارای ابهام می‌باشند. در پژوهش‌های صورت گرفته هرچند تا حدودی به موضوع پرداخته شده، ولی تمامی شرایط مطالبه خسارت و روش شکلی آن مورد مطالعه قرار نگرفته و مطالعات صورت گرفته بر اساس قوانین سابق می‌باشند. در پژوهش حاضر شرایط تحقق مسئولیت مدنی قاضی جهت جبران خسارت، مبانی قانونی جبران خسارت ناشی از اشتباه یا تقصیر قاضی، شامل اصل ۱۷۱ قانون اساسی و قوانین حاکم در نظام قضایی فعلی از جمله: ماده ۳۰ قانون نظارت بر رفتار قضات، مواد ۱۳ و ۴۸۶ قانون مجازات اسلامی و مواد ۲۵۵ و ۲۵۹ قانون آیین دادرسی کیفری، منابع فقهی مبنای جبران خسارت و همچنین مطالعه تطبیقی در برخی کشورها مورد بررسی قرار می‌گیرند. مراجع صالح رسیدگی کننده و تجویز کننده رسیدگی به این دعوی و نحوه مطالبه خسارت وارده در مراجع مذکور شامل دادگاه عمومی تهران و دادگاه عالی انتظامی قضات مورد مطالعه قرار گرفته و به این موضوع پرداخته می‌شود که مطالبه دعوی مورد نظر مانند سایر دعاوی علیه اشخاص بدون رعایت تشریفات در دادگاه عمومی قابل رسیدگی بوده، یا به لحاظ اهمیت شغل قضا و موقعیت قضات در صورتیکه خسارت در اثر اشتباه یا تقصیر حرفه‌ای آنان باشد ابتدا باید اشتباه یا تقصیر در دادگاه عالی احراز

بررسی نحوه مطالبه خسارت ناشی از اشتباه یا تقصیر قاضی در حقوق موضوعه ایران.....۳۱۵

و پس تجویز این دادگاه، دادگاه عمومی تهران مجاز به رسیدگی به دعوی مذکور می‌باشد. با توجه به اینکه قوانین مربوطه در خصوص نحوه مطالبه خسارت ناشی از اشتباه یا تقصیر قاضی از شفافیت و جامعیت لازم برخوردار نبوده و دارای ابهاماتی می‌باشند. در این پژوهش سعی شده ضمن اشاره به این موضوع در بعضی کشورها و بررسی و نقد برخی از آرای که در این زمینه صادر شده به ابهامات و چالشهای موجود پاسخ داده شود.

۱- پیشینه تاریخی

در قانون اساسی مشروطه سال ۱۲۸۵ هجری شمسی، شامل ۵۱ اصل و ۱۰۷ اصل به‌عنوان متمم، هیچگونه اشاره‌ای به مطالبه خسارت ناشی از اشتباه یا تقصیر قاضی نشده و اصل ۸۱ متمم قانون اساسی مذکور با اشاره به تقصیر حاکم محکمه مقرر داشته: «هیچ حاکم محکمه عدلیه را نمی‌توان از شغل خود موقتاً یا دائماً بدون محاکمه و ثبوت تقصیر تغییر داد مگر اینکه خودش استعفاء نماید.» این اصل همچنانکه مشهود است مربوط به تغییر حاکم محکمه می‌باشد و نه مسایل مورد مطالعه در این پژوهش. در ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی سال ۱۳۳۹ قانونگذار کارمندان دولت را در صورتی که به مناسبت انجام وظیفه عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی خسارتی به اشخاص وارد نمایند شخصاً مسئول جبران خسارت وارده دانسته و چنانچه خسارت مستند به عمل آنها نباشد جبران خسارت را بر عهده اداره یا مؤسسه مربوطه قرار داده‌است. در این ماده به اشتباه کارمند اشاره‌ای نشده و به عمد یا بی‌احتیاطی کارمندان که یکی از موارد تقصیر می‌باشد پرداخته شده‌است. مطابق این ماده قضات جزء کارمندان دولت محسوب می‌شوند لکن نحوه احراز و مرجع تشخیص بی‌احتیاطی و مرجع صالح رسیدگی کننده به دعوی خسارت مذکور مشخص نشده‌است.

در اصل ۱۷۱ به موضوع اشتباه یا تقصیر قاضی اشاره شده و اصل مذکور مقرر داشته: «هر گاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص، ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد، در صورت تقصیر، مقصر طبق

۳۱۶.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره چهل و یکم، پاییز ۱۳۹۷

موازن اسلامی ضامن است و در غیر این صورت خسارت به وسیله دولت جبران می‌شود، و در هر حال از متهم اعاده حیثیت می‌گردد.» ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ هر چند ناقص و در برخی موارد مغایر با این اصل، آنرا را به نحوی تکرار و مقرر داشته: «هرگاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در تطبیق حکم بر مورد خاص ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد در مورد ضرر مادی در صورت تقصیر مقصر طبق موازن اسلامی ضامن است و در غیر اینصورت خسارت به وسیله دولت جبران می‌شود و در موارد ضرر معنوی چنانچه تقصیر یا اشتباه قاضی موجب هتک حیثیت از کسی گردد باید نسبت به اعاده حیثیت او اقدام شود.» ماده مذکور با تصویب قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ نسخ و ماده ۱۳ قانون اخیر جانشین آن شده است.

ماده ۱۳ قانون مجازات اسلامی نیز ایراد هرگونه صدمه یا خسارت از روی عمد یا تقصیر یا صدور حکم توسط قاضی به مجازات یا اقدام تأمینی و تربیتی یا اجرای آنها به لحاظ تجاوز از میزان و کیفیت مقرر در قانون یا حکم دادگاه را، موجب مسئولیت کیفری و مدنی مرتکب دانسته و در صورت ایراد صدمه یا خسارت بدون عمد یا تقصیر و در اثر اشتباه قاضی بیت‌المال را ملزم به جبران خسارت دانسته و مقرر داشته: «حکم به مجازات یا اقدام تأمینی و تربیتی و اجرای آنها حسب مورد نباید از میزان و کیفیتی که در قانون یا حکم دادگاه مشخص شده است تجاوز کند و هرگونه صدمه و خسارتی که از این جهت حاصل شود، در صورتی که از روی عمد یا تقصیر باشد حسب مورد موجب مسوولیت کیفری و مدنی است و در غیر این صورت، خسارت از بیت‌المال جبران می‌شود.»

مواد ۲۵۵ لغایت ۲۵۹ قانون آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۹۲ به جبران خسارت وارده به متهمانی که در جریان تحقیقات مقدماتی و دادرسی در اثر اشتباه یا تقصیر مقامات قضایی، بی‌گناه بازداشت شده‌اند و مسئول جبران خسارت وارده و نحوه مطالبه آن پرداخته است.

بررسی نحوه مطالبه خسارت ناشی از اشتباه یا تقصیر قاضی در حقوق موضوعه ایران.....۳۱۷

ماده ۳۰ قانون نظارت بر رفتار قضات رسیدگی به دعوای جبران خسارت ناشی از اشتباه یا تقصیر قاضی موضوع اصل ۱۷۱ قانون اساسی را در صلاحیت دادگاه عمومی تهران قرار داده و رسیدگی به دعوای مذکور در دادگاه عمومی را منوط به احراز تقصیر یا اشتباه قاضی در دادگاه عالی دانسته است. برابر تبصره ذیل این ماده تعلیق تعقیب یا موقوفی تعقیب انتظامی یا عدم تشکیل پرونده مانع از رسیدگی دادگاه عالی به اصل وقوع تقصیر یا اشتباه قاضی نیست.

۲- مفاهیم

در این قسمت به بررسی مفهوم اشتباه و تقصیر قاضی می‌پردازیم.

۲-۱- اشتباه قاضی

اشتباه در لغت «مانند شدن چیزی به چیز دیگر در نظر انسان، شک و شبهه، سهو و خطا.» (عمید، ۱۳۷۶: ۱۴۲) معنی شده و در اصطلاح «اشتباه تصوّر نادرستی است که انسان از حقیقت پیدا می‌کند.» (کاتوزیان، ۱۳۶۶: ۱۸۸) همچنین گفته شده «اشتباه در صورتی ساده است که آلوده به امر نامشروع نشود و در اثر القاء شبهه از سوی دو طرف دعوی یا شهادت نادرست و اقرار بر خلاف واقع یا پیچیدگی و نارسایی مفهوم قانون یا متروک ماندن آن یا نقص در حافظه یا قدرت اجتهاد و مانند اینها دست دهد و مانع از دستیابی قاضی به عدالت و حق شود.» (کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۱ / ۳۶۹-۳۷۰) در اشتباه، موضوعی با موضوع دیگر برای انسان مشتبه شده و بر مبنای آن عملی را به جای عملی دیگر انجام می‌دهد و تصوّر می‌کند کار مورد نظرش را انجام داده است. منظور از اشتباه قاضی که منجر به خسارت به دیگران می‌شود زمانی است که بدون قصد و عمد و در اثر سهو موجب ایراد خسارت شود و اشتباه ناشی از حرفه یا شغل او بوده و مرتبط با آن باشد. در قانون نیز اشتباه مورد توجه قرار گرفته و قانونگذار در مواد مختلفی به آن پرداخته است. از جمله مواد ۲۰۰ به بعد قانون مدنی در مورد شناسایی اشتباه در معاملات، ماده ۱۵۹ قانون مجازات اسلامی در اشتباه مأمور.

۳۱۸.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره چهل و یکم، پاییز ۱۳۹۷

اشتباه قاضی وضعیتی است که بدون اینکه عامد باشد (بنابر قانون اساسی) در موضوع یا حکم و یا در تطبیق حکم بر مورد خاص مرتکب آن شود. در تعریف این نوع اشتباه گفته اند: «اشتباه قاضی وقتی است که وی بدون قصد و نیت و به دلایل دیگر عملاً موجب ضرر و زیان بشود.» (هاشمی، ۲ / ۱۳۸۳: ۴۰۰) یا «اگر قاضی دچار اشتباه شود و در نتیجه اشتباه او خسارتی به دیگری وارد شود ضامن نیست و چون محسن است ضمان بر عهده بیت‌المال است.» (نجفی، ۴۰ / ۱۳۹۳: ۸۰)

اصل ۱۷۱ اشتباه را شامل اشتباه موضوعی، یا حکمی و یا تطبیق حکم بر موارد خاص دانسته است. در غیر این صورت و در مواردی که اشتباه قاضی مربوط به شغل و حرفه او نمی‌باشد، اشتباه شغلی نبوده و این مقررات بر اشتباه او حاکم نخواهد بود.

اشتباه موضوعی: «اشتباه موضوعی زمانی پیش می‌آید که کسی دانسته ظاهراً عمل مشروعی را انجام می‌دهد ولی در تشخیص نوع عمل و یا کیفیات و نتایج آن در اشتباه است.» (شامبیاتی، ۲ / ۱۳۷۸: ۱۱۳) در اشتباه موضوعی قاضی با علم به حکم نسبت به موضوع اشتباه می‌کند. مانند اینکه فرد دیگری را به جای متهم حبس می‌کند یا به جای خواسته خواهان موضوع دیگری را مورد حکم قرار می‌دهد.

اشتباه حکمی: «اشتباه حکمی عبارت است از تصور وجود قانونی که اساساً وجود ندارد یا تفسیر نادرست از یک قانون به تصور اینکه آن تفسیر درست است.» (جعفری‌لنگرودی، ۱۳۶۷: ۴۵) همچنین گفته شده «اشتباه حکمی اشتباهی است که نسبت به قانون و یا تفسیر آن صورت می‌گیرد.» (صانعی، ۲ / ۱۳۷۱: ۶۳) در این اشتباه قاضی در تشخیص حکم قانون اشتباه می‌کند. به این ترتیب که به جای قانون موضوع حکم، قانون دیگر یا قانونی را که اساساً وجود ندارد مستند تصمیم یا حکم خود قرار می‌دهد.

بررسی نحوه مطالبه خسارت ناشی از اشتباه یا تقصیر قاضی در حقوق موضوعه ایران.....۳۱۹

اشتباه ناشی از تطبیق حکم بر مورد خاص: اشتباهی است که قاضی قانون مربوط به موضوع دعوی را تشخیص نداده، و به جای قانون حاکم قانون دیگری را مستند تصمیم یا حکم خود قرار می‌دهد.

۲-۲- تقصیر قاضی

تقصیر در لغت «کوتاه کردن، کوتاهی کردن، در کاری کوتاهی و خطا کردن است.» (عمید، ۱۳۷۶: ۴۰۴) در اصطلاح «ترک عملی که شخص ملزم به کردن آن است یا ارتکاب عملی که از انجام دادن آن منع شده است.» (جعفری‌لنگرودی، ۱۳۶۷: ۱۷۵) و «انجام کار و یا ترک فعلی که اگر شخص متعارف و محتاط در شرایط بیرونی و اجتماعی عامل فعل زیانبار قرار گیرد چنین عملی را انجام ندهد.» (باریکلو، ۱۳۸۷: ۴۹) و «یک اشتباه در رفتار که به فاعل آن قابل اسناد و انتساب باشد.» (لورراسا، ۱۳۷۵: ۵۱) ماده ۹۵۳ قانون مدنی تقصیر را اعم از تفریط و تعدی دانسته. ماده ۹۵۱ قانون مذکور مقرر داشته: تعدی، تجاوز نمودن از حدود اذن یا متعارف است نسبت به مال یا حق دیگری و ماده ۹۵۲ بیان داشته: تفریط عبارت است از ترک عملی که به موجب قرارداد یا متعارف برای حفظ مال غیر لازم است. مطابق تبصره ذیل ماده ۱۴۵ قانون مجازات اسلامی: تقصیر اعم از بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی است. مسامحه، غفلت، عدم مهارت و عدم رعایت نظامات دولتی و مانند آنها، حسب مورد، از مصادیق بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی محسوب می‌شود.

تقصیر قاضی، زمانی است که در انجام وظیفه قضایی خود مرتکب بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی شده و در نتیجه آن به دیگران زیان وارد شود. به این ترتیب که در صورت تعدی یا تفریط قاضی، نقض عمدی قوانین و مقررات مربوط به نظام اداری و بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی قاضی و ورود خسارت، تقصیر وی محقق می‌شود. در تقصیر نیز مانند اشتباه شرط ورود خسارت نهفته است، هرچند قاضی در انجام موارد فوق تقصیر داشته باشد، تا زمانی که از این تقصیر خسارتی محقق نشود، تقصیر قاضی مصداق نخواهد داشت.

۳۲۰.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره چهل و یکم، پاییز ۱۳۹۷

۳- مبانی مسئولیت مدنی

در این قسمت به بررسی مبانی و منابع مسئولیت مدنی قاضی در فقه و قوانین موضوعه پرداخته می‌شود.

۳-۱- مبانی فقهی

در این بخش به منابع فقهی مسئولیت مدنی قاضی شامل قرآن کریم و سایر منابع و ادله می‌پردازیم.

۳-۱-۱- قاعده لاضرر

یکی از قواعد فقهی مشهور که مبنای جبران خسارت و دفع ضرر به اشخاص می‌باشد و در بیشتر ابواب فقه کاربرد دارد و می‌تواند مستند تحقق مسئولیت مدنی قضات قرار گیرد، قاعده لاضرر و لاضرار فی‌الاسلام می‌باشد. بر اساس این قاعده، ضرر در اسلام مشروعیت ندارد و هرگونه ضرر و اضرار نفی شده است. «قاعده لاضرر به معنی نفی مشروعیت هرگونه ضرر و اضرار در اسلام است.» (مشکینی‌اردبیلی، ۱۳۷۴ : ۲۰۳) همچنین «روایت لاضرر در حدّ تواتر است.» (حسینی‌روحانی، ۱۴۱۳/۵ : ۳۸۳)

۳-۱-۱-۱- ادله قاعده لاضرر

یک- آیه ۲۳۳ سوره بقره- «لا تضار والده بولدها و لا مولود له بولده» این آیه شریفه مادران و پدران را از ضرر رساندن به فرزندانشان نهی کرده است. و بنا بر تفسیر دیگر، هریک از والدین از ضرر زدن به دیگری به واسطه فرزندانشان نهی شده است. و از این آیه فهمیده می‌شود که ضرر رساندن هر کس به دیگری ممنوع و ناروا می‌باشد.

دو- آیه ۲۳۱ سوره بقره- «و لا تمسکوهنّ ضرارا لتعتدوا» این آیه شریفه مردان را از نگهداری زنان در قید زوجیت جهت آزار و اذیت و تجاوز به حقوق آنان منع فرموده است و در مفهومی دیگر «مردان را از رجوع به قصد اذیت و ضرر همسران نهی

بررسی نحوه مطالبه خسارت ناشی از اشتباه یا تقصیر قاضی در حقوق موضوعه ایران.....۳۲۱

کرده است.» (علامه طباطبایی، ۱۳۸۶/۲: ۳۴) در این آیه نیز ضرر رساندن به دیگران از جمله زنان به هر طریق منع شده است.

سه- آیه ۲۸۲ سوره بقره- «و لا یضارَ کاتب و لاشهید» «مفهوم آیه این است که نباید نویسنده و گواه را زیان برسانید.» (علامه طباطبایی، ۱۳۸۶/۲: ۳۴۹) یا «کاتب و گواهی دهنده دین نباید ضرر برساند و کاتب و تنظیم کننده دین و معامله نباید امری را که غیر واقع است بنویسد و همچنین شاهد باید دقیقاً به چیزی که اتفاق افتاده گواهی دهد و چیزی از آن نکاهد.» (محقق داماد، ۱۳۹۷: ۱۷۳) آیه شریفه به طور کلی هر اقدامی را که موجب ضرر رساندن به دیگران شود منع نموده است.

چهار- آیه ۱۲ سوره نساء- «من بعد وصیته یوصی بها او دین غیر مضار» یعنی پس از وصیتی که نسبت به مال شده یا پس از قرضی که اقرار به آن، در وصیت به وارثان زیان نزنند. بر اساس این آیه «ترکه بعد از آن که مورد وصیت یا دین از ترکه خارج گردید بین ورثه تقسیم می شود، به شرط آنکه موصی زیان رساننده نباشد، یعنی وصیتی که در آن، موصی به ورثه ظلم نکرده و ضرر نزده باشد نافذ و لازم الاجراست، چون چه بسا موصی به قصد اضرار به ورثه به دینی اقرار کند یا وصیتی ظالمانه کند و بدین وسیله ورثه را از میراث محروم سازد.» (محقق داماد، ۱۳۹۷: ۱۷۳)

علاوه بر آیات مذکور آیات دیگری در قرآن کریم به منع ضرر رساندن به دیگران و لزوم دفع و جبران آن اشاره نموده اند، مانند آیات ۶ سوره طلاق، ۹۲ سوره نساء، ۱۷۳، ۱۹۴ و ۱۹۶ سوره بقره و آیات متعدّد دیگر.

۲-۱-۱-۳- سنت

حدیث معروفی که در رابطه با قاعده لاضرر وارد شده است داستان سمره بن جندب می باشد، امام باقر(ع) در اینخصوص فرموده است در زمان رسول الله «ص» سمره بن جندب در جوار خانه مردی از انصار درخت خرمایی داشت که راه عبور آن از داخل ملک آن مرد انصاری می گذشت. سمره برای سرکشی به آن درخت به کرات و

۳۲۲.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره چهل و یکم، پاییز ۱۳۹۷

سر زده وارد ملک مرد انصاری می‌شد و بدین ترتیب باعث مزاحمت خانواده او می‌گردید تا اینکه عرصه بر صاحب‌خانه تنگ شد و به سمره گفت تو بدون اطلاع وارد منزل من می‌شوی و حضرت پیامبر(ص) به ثمره فرمود دست از درخت بردار و به جایش در بهشت یک درخت خرما به تو خواهم داد، ثمره نپذیرفت تا اینکه پیامبر(ص) فرمود: «آنک رجل مضارّ و لا ضرر و لا ضرار علی مؤمن» و دستور داد آن درخت را کنند و نزد سمره انداختند. (صدوق، ۱۴۱۴/۳: ۱۰۳ و نوری، ۱۴۰۸/۳: ۱۴۷)

بنابراین براساس نصوص قرآنی و روایات وارده به لحاظ مطلق بودن منع ورود ضرر و لزوم جبران خسارت به اشخاص زیان دیده، چنانچه در انجام وظایف حرفه‌ای قضات در اثر اشتباه یا تقصیر آنان به افراد خسارت وارد شود خسارت وارده حسب مورد توسط دولت یا شخص قاضی باید جبران شود.

۲-۱-۳- قاعده اتلاف

از قواعد فقهی دیگر که مبنای جبران خسارت نسبت به اشخاص بوده و می‌تواند مستند مسئولیت مدنی قضات قرار گیرد، قاعده اتلاف است. «اتلاف گاه بالمباشره است و گاه بالتسبیب، مراد از مباشرت ایجاد علت تلف است مثل قتل و خوردن و سوزاندن. تسبیب ایجاد چیزی است که چون ایجاد شود موجب تلف می‌گردد اما تلف به علتی غیر از آن چیز است، به شرط اینکه قصد ایجاد سبب وجود داشته باشد. مثل حفر کننده چاه و باز کننده سر ظرف.» (حسینی مراغه‌ای، ۱۴۱۷/۲: ۴۳۳)

در اتلاف شخص مستقیماً و بدون واسطه مال دیگری را تلف می‌کند. «در این مفهوم، قضات کمتر مرتکب تلف اموال اشخاص و اصحاب پرونده می‌شوند، زیرا در حین انجام وظیفه قضایی، قاضی کمتر به طور مستقیم مال دیگری را تلف می‌نماید.» (افشار، ۱۳۸۱: ۵۳) همچنین «در صدق اتلاف انجام عمل خاص معتبر نیست و ممکن است اتلاف از عمل سلبی به معنی عدم مراقبت و محافظت بوجود آید.» (عمید زنجانی، ۱۳۸۲: ۱۱۴)

بررسی نحوه مطالبه خسارت ناشی از اشتباه یا تقصیر قاضی در حقوق موضوعه ایران.....۳۲۳

در تسبیب شخص مستقیماً مال دیگری را تلف نمی‌کند. به عبارت دیگر، «تسبیب آن است که شخص بطور مستقیم در تلف یا کسر شأن و یا صدمات روحی و بدنی دیگری نقش نداشته لکن برای تحقق آنها سبب سازی کرده‌است. در این صورت آن شخص با رعایت سایر جهات، ضامن خسارتی است که به وجود آمده‌است. مانند آنکه حکم به بازداشت شخص یا اموال آن شخص صادر کند یا حکم به محکومیت مالی او به نفع دیگری بدهد.» (سلطانی‌نژاد، ۱۳۷۶ : ۱۶۰-۱۶۱)

۱-۲-۱-۳- ادله قاعده اتلاف

در این قسمت قاعده اتلاف در قرآن کریم و سنت مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

۱-۱-۲-۱-۳- کتاب

یک - آیه ۱۹۴ سوره بقره «فمن اعتدی علیکم فاعتدوا علیه بمثل ما اعتدی علیکم» پس هر کس بر شما تعدی کرد، شما هم به مثل آن بر او تعدی کنید. «تقریب استدلال بر ضمان اتلاف از آیه فوق به این صورت است که تلف کردن اموال و منافع و حقوق دیگران بدون اجازه آنان یکی از مصادیق تعدی است و بر اساس مفاد آیه به همان مقدار جایز است از متجاوز مطالبه شود.» (لطفی، ۱۳۸۲ : ۹۳) براساس آیه شریفه اتلاف و تعدی به اموال دیگران موجب ضمان است و صاحب‌مال می‌تواند به همان میزان که در اثر تعدی از مال او تلف شده نسبت به مال تلف‌کننده تعدی نماید.

دو- آیه ۴۰ سوره شوری «و جزاؤا سیئه سیئه مثلها» پاداش بدی مانند همان بدی است. آیه شریفه اطلاق عام داشته و شامل اتلاف اموال هم می‌شود و براساس آن هرکس مال دیگری را تلف کند ضامن است و صاحب‌مال می‌تواند به همان میزانی که مال او تلف شده به مال تلف‌کننده زیان وارد نماید. «همچنین اتلاف اختصاص به اعیان ندارد بلکه شامل منافع هم هست.» (شریعت‌باقری، ۱۳۸۷ : ۷۸)

۳۲۴.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره چهل و یکم، پاییز ۱۳۹۷

۲-۱-۲-۱-۳- سنت

روایات متعددی در خصوص حرمت اتلاف اموال دیگران و لزوم جبران خسارت، از معصومین و پیشوایان دین نقل شده است که به شرح ذیل به برخی از آنها اشاره می‌شود.

یک- از امام صادق «ع» نقل شده که هرکس چیزی در راه مسلمانها قرار دهد و موجب زیان راه و عابر شود ضامن است. (حرعاملی، ۱۴۰۹/۲۷ : ۱۸۱)

دو- امام صادق «ع» در باره کسی که شهادت ناحق او سبب اتلاف مال دیگری شده است فرموده: اگر مال باقی باشد به صاحبش برگردانده می‌شود، در غیر این صورت شاهد به اندازه‌ای که از مال دیگری تلف کرده است ضامن است. (حرعاملی، ۱۴۱۴/۱۹ : ۳۲۷)

سه- حضرت امیر المؤمنین علی «ع» فرموده است کسی که چهارپایی را بکشد و درختی را بیهوده ببرد یا کشتزاری را خراب کند یا خانه‌ای را ویران سازد یا چاه آب یا نهری را از بین ببرد، باید قیمت آنچه را که تباه و فساد کرده است به عنوان غرامت بپردازد و اگر عمدی بوده تعزیر و تأدیب هم بشود، ولی اگر به خطا این کارها را انجام داده باشد فقط بر او غرامت است و حبس و تأدیب بر او نیست و اگر حیوانی را ناقص کند بر او لازم است تفاوت قیمت آنرا به صاحبش تأدیه نماید. (نوری، ۱۴۰۸/۳ : ۱۴۷)

علاوه بر روایات، عبارت «من اتلف مال الغیر فهو له ضامن» هرکس مال دیگری را تلف کند ضامن است، قاعده اتلاف از آن گرفته شده است و آنرا به معصومین «ع» نسبت داده‌اند.

براین اساس، نصوص قرآنی و روایات وارده همانند قاعده لاضرر به مطلق بودن منع اتلاف اموال دیگران و لزوم جبران خسارت به اشخاص زیان‌دیده پرداخته‌اند، در نتیجه چنانچه در اثر اشتباه یا تقصیر قضات در انجام وظایف حرفه‌ای آنان اموال

بررسی نحوه مطالبه خسارت ناشی از اشتباه یا تقصیر قاضی در حقوق موضوعه ایران.....۳۲۵

دیگران تلف و به افراد خسارت وارد شود خسارت وارده حسب مورد توسط دولت یا شخص قاضی باید جبران شود.

۲-۳- مبانی قانونی

در این بخش به مبانی قانونی مسئولیت مدنی قاضی از جمله قانون اساسی و قوانین عادی پرداخته می‌شود.

۱-۲-۳- قانون اساسی

برابر اصل ۱۷۱ چنانچه در اثر تقصیر قاضی در موضوع یا حکم یا تطبیق حکم بر مورد خاص ضرر مادی یا معنوی به کسی وارد شود برابر موازین اسلامی نامبرده ضامن جبران خسارات وارده می‌باشد و در صورتیکه اشتباه یا قصور وی در موضوع یا حکم یا تطبیق حکم بر مورد خاص موجب خسارت به دیگری شود مسئولیتی بر عهده وی نبوده و دولت مسئول جبران خسارت وارده می‌باشد. «در این اصل قانونگذار برای اولین بار در حقوق ایران صراحتاً برای قضات در مواردی که مرتکب تقصیر شده باشند، در برابر اشخاص زیان دیده، مسئولیت مدنی پیش‌بینی نموده ریشه این اصل را باید در نظرات فقهاء و قاعده لاضرر یافت.» (تقی‌زاده، ۱۳۹۳ : ۱۴۲) «در صورت اشتباه قاضی، نظر به اینکه وی قصد و نیت ایراد خسارت به غیر را نداشته، عدم مسئولیت وی امری منطقی به نظر می‌رسد. اما به هر حال، چون در اقدام قضائی راه خطا پیموده شده و دیگری خسارت دیده‌باشد، حق این است که جبران خسارت به هر نحو به عمل آید. فلذا چون دستگاه حاکمیت (قوه قضائیه) مسئولیت نهایی امر قضا را بر عهده دارد، ضمان متوجه آن دستگاه می‌شود.» (هاشمی، ۱۳۸۳/۲ : ۴۰۰-۴۰۱) «شناسایی تقصیر قضایی حکایت از اهمیت موضوع در نظر قانونگذار دارد و سایر قوانین در پرتو این اصل باید تنظیم و تدوین و یا تفسیر شود، هر چند که این اصل نیز به نحو کامل گویا نیست.» (سلطانی نژاد، ۱۳۷۶ : ۱۵۰)

۳۲۶.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره چهل و یکم، پاییز ۱۳۹۷

۲-۲-۳- قوانین عادی

در این قسمت قوانین عادی مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرند.

۱-۲-۲-۳- قانون مسئولیت مدنی

ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی به خسارت وارده توسط کارمندان دولت و شهرداری‌ها و مؤسسات وابسته به آنها به اشخاص و مسئول جبران خسارت وارده پرداخته و مقرر داشته: «کارمندان دولت و شهرداری‌ها و مؤسسات وابسته به آنها که به مناسبت انجام وظیفه عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی خساراتی به اشخاص وارد نمایند شخصاً مسئول جبران خسارت وارده می‌باشند ولی هرگاه خسارات وارده مستند به عمل آنان نبوده و مربوط به نقص وسائل ادارات و مؤسسات مزبور باشد در این صورت جبران خسارت بر عهده اداره یا مؤسسه مربوطه است ولی در مورد اعمال حاکمیت دولت هرگاه اقداماتی که برحسب ضرورت برای تأمین منافع اجتماعی طبق قانون به عمل آید و موجب ضرر دیگری شود دولت مجبور به پرداخت خسارات نخواهد بود.» این ماده به مسئولیت کارمندان دولت در جبران خسارت وارده به اشخاص به‌طور عمد یا در اثر بی احتیاطی در انجام وظیفه در صورتی که خسارت مربوط به نقص وسایل اداری باشد اشاره نموده است. باتوجه به اینکه در معنای عام قضاات جزء کارمندان و مستخدمین دولت محسوب می‌شوند ماده مذکور شامل آنها نیز می‌شود و این ماده برای اولین بار در حقوق ایران به مسئولیت مدنی دولت و کارمندان پرداخته و تنها نص قانونی است که قبل از انقلاب به مسئولیت مدنی کارمندان دولت اشاره نموده است، هر چند براساس آن تاکنون به هیچ گونه دعوایی مبنی بر مطالبه خسارت علیه قضاات رسیدگی نشده است.

۲-۲-۳- قانون مجازات اسلامی

الف- ماده ۱۳- ماده مذکور مقرر داشته: «حکم به مجازات یا اقدام تأمینی و تربیتی و اجرای آنها حسب مورد نباید از میزان و کیفیتی که در قانون یا حکم دادگاه

بررسی نحوه مطالبه خسارت ناشی از اشتباه یا تقصیر قاضی در حقوق موضوعه ایران.....۳۲۷

مشخص شده است تجاوز کند و هرگونه صدمه و خسارتی که از این جهت حاصل شود، در صورتی که از روی عمد یا تقصیر باشد حسب مورد موجب مسوولیت کیفری و مدنی است و در غیر این صورت، خسارت از بیت‌المال جبران می‌شود.» به موجب این ماده:

- ۱- حکم دادگاه به مجازات یا اقدام تأمینی و تربیتی نباید از میزان مجازات مقرر در قانون تجاوز کند.
- ۲- اجرای حکم دادگاه باید به همان کیفیتی باشد که در قانون و حکم صادره مقرر شده و از آنها تجاوز نکند.
- ۳- هرگونه صدمه و خسارتی اعم از مادی یا معنوی که در اثر صدور حکم دادگاه به عمد و به لحاظ تجاوز از میزان مقرر در قانون به افراد وارد شود موجب مسوولیت کیفری و مجازات قاضی صادرکننده حکم خواهد شد.
- ۴- هرگونه صدمه و خسارتی که در اثر اجرای حکم دادگاه و تجاوز از کیفیتی که در حکم مقرر شده است به عمد به افراد وارد شود موجب مسوولیت کیفری و مجازات قاضی مجری حکم خواهد شد.
- ۵- چنانچه در اثر تقصیر قاضی، حکم به مجازات یا اقدام تأمینی و تربیتی و اجرای آنها از میزان و کیفیتی که در قانون یا حکم دادگاه مشخص شده است تجاوز کند و موجب ایراد صدمه یا خسارت به افراد شود برابر این ماده و اصل ۱۷۱ نامبرده ضامن و موجب مسوولیت مدنی وی خواهد شد.
- ۶- چنانچه در اثر اشتباه قاضی حکم به مجازات یا اقدام تأمینی و تربیتی و اجرای آنها از میزان و کیفیتی که در قانون یا حکم مشخص شده است تجاوز کند و موجب صدمه و خسارت به افراد شود برابر ماده مذکور و اصل ۱۷۱ خسارت به وسیله دولت جبران می‌شود.

پرسشی که در رابطه با این ماده مطرح می‌باشد این است که احراز عمد، تقصیر یا اشتباه قاضی موضوع ماده فوق‌الذکر با کدام مرجع می‌باشد؟ در پاسخ باید گفت، احراز

۳۲۸.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره چهل و یکم، پاییز ۱۳۹۷

عمدی بودن تصمیم قاضی موضوع ماده مذکور با توجه به اینکه موجب مسئولیت کیفری وی می‌شود با مرجع کیفری صالح رسیدگی کننده به اتهام قاضی و احراز تقصیر یا اشتباه قاضی موضوع این ماده برابر اصل ۱۷۱ قانون اساسی و ماده ۳۰ قانون نظارت بر رفتار قضات با دادگاه عالی انتظامی قضات می‌باشد.

ب- ماده ۴۸۶ - ماده مذکور مقرر داشته: «هرگاه پس از اجرای حکم قصاص، حد یا تعزیر که موجب قتل، یا صدمه بدنی شده‌است پرونده در دادگاه صالح طبق مقررات آیین دادرسی، رسیدگی مجدد شده و عدم صحت آن حکم ثابت شود، دادگاه رسیدگی کننده مجدد، حکم پرداخت دیه از بیت‌المال را صادر و پرونده را با ذکر مستندات، جهت رسیدگی به مرجع قضائی مربوط ارسال می‌نماید تا طبق مقررات رسیدگی شود. در صورت ثبوت عمد یا تقصیر از طرف قاضی صادرکننده حکم قطعی، وی ضامن است و به حکم مرجع مذکور، حسب مورد به قصاص یا تعزیر مقرر در کتاب پنجم «تعزیرات» و بازگرداندن دیه به بیت‌المال محکوم می‌شود.» بر اساس این ماده:

- ۱- دادگاه صالح رسیدگی کننده مجدد، دادگاه هم‌عرض دادگاهی است که حکم غیرصحیح مبنی بر قصاص، حد یا تعزیر صادر نموده‌است.
- ۲- مرجع قضایی مربوط مقرر در ماده مذکور جهت رسیدگی به عمد یا تقصیر قاضی دادگاه کیفری تهران می‌باشد که حسب مورد حکم به قصاص یا تعزیر قاضی صادرکننده حکم قطعی و بازگرداندن دیه به بیت‌المال که از سوی دادگاه هم‌عرض حکم به پرداخت آن صادر شده‌است صادر می‌نماید.

پرسشی که در خصوص ماده فوق‌الذکر مطرح می‌باشد این است که آیا احراز ثبوت عمد یا تقصیر قاضی صادرکننده حکم قطعی مانند احراز اشتباه یا تقصیر قاضی موضوع ماده ۳۰ قانون نظارت بر رفتار قضات با دادگاه عالی بوده یا با مرجع کیفری است؟ برخی معتقدند احراز عمد یا تقصیر موضوع این ماده همانند احراز تقصیر موضوع ماده ۳۰ ق. ن. ب. ر. ق با دادگاه عالی است، لکن با توجه به اینکه موضوع

بررسی نحوه مطالبه خسارت ناشی از اشتباه یا تقصیر قاضی در حقوق موضوعه ایران.....۳۲۹

مقرر در ماده ۳۰ ق. ن. ب. ر. ق مربوط به دعوی جبران خسارت و امری حقوقی است، با احراز عمد یا تقصیر موضوع ماده ۴۸۶ قانون مجازات اسلامی که امری کیفری است متفاوت بوده، بنابراین احراز عمد یا تقصیر موضوع ماده ۴۸۶ قانون مذکور با دادگاه کیفری صالح می‌باشد.

۳-۲-۲-۳- قانون مجازات اسلامی (تعزیرات)

ماده ۵۳۴ قانون مذکور مقرر داشته: «هر یک از کارکنان ادارات دولتی و مراجع قضایی و مأمورین به خدمات عمومی که در تحریر نوشته‌ها و قراردادهای راجع به وظایفشان مرتکب جعل و تزویر شوند اعم از این که موضوع یا مضمون آن را تغییر دهند یا گفته و نوشته یکی از مقامات رسمی، مهر یا تقریرات یکی از طرفین را تحریف کنند یا امر باطلی را صحیح یا صحیحی را باطل یا چیزی را که بدان اقرار نشده است اقرار شده جلوه دهند، علاوه بر مجازات های اداری و جبران خسارت وارده به حبس از یک تا پنج سال یا شش تا سی میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد.»
برابر این ماده چنانچه قضات دادگستری در تحریر نوشته‌ها و قراردادهای راجع به وظایف خود مرتکب جعل مفادی (معنوی) شوند علاوه بر مجازاتهای انتظامی و کیفری به جبران خسارت وارده به اشخاص نیز محکوم می‌شوند.

ماده ۵۹۷ قانون فوق الذکر نیز بیان داشته: «هر یک از مقامات قضایی که شکایت و تظلمی مطابق شرایط قانونی نزد آن‌ها برده شود و با وجود اینکه رسیدگی به آن‌ها از وظایف آنان بوده به هر عذر و بهانه اگر چه به عذر سکوت یا اجمال یا تناقض قانون از قبول شکایت یا رسیدگی به آن امتناع کند یا صدور حکم را برخلاف قانون به تأخیر اندازد یا برخلاف صریح قانون رفتار کند، دفعه اول از شش ماه تا یک سال و در صورت تکرار به انفصال دائم از شغل قضایی محکوم می‌شود و در هر صورت به تأدیه خسارات وارده نیز محکوم خواهد شد.»

به موجب این ماده چنانچه هریک از دارندگان پایه قضائی از قبول یا رسیدگی به شکایات امتناع نموده یا صدور حکم را برخلاف قانون به تأخیر انداخته یا برخلاف

۳۳۰.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره چهارم و یکم، پاییز ۱۳۹۷

صریح قانون رفتار نمایند علاوه بر مجازات حبس و انفصال دائم از شغل قضائی در صورت ایراد خسارت به جبران خسارت وارده به افراد نیز محکوم می‌شوند. همچنین ماده ۶۰۴ این قانون اعلام داشته: «هر یک از مستخدمین دولتی اعم از قضایی و اداری، نوشته‌ها و اوراق و اسنادی که حسب وظیفه به آنان سپرده شده یا برای انجام وظایفشان به آن‌ها داده شده است را معدوم یا مخفی نماید یا به کسی بدهد که به لحاظ قانون از دادن به آن کس ممنوع می‌باشد علاوه بر جبران خسارت وارده به حبس از سه ماه تا یک سال محکوم خواهد شد.»

مطابق این ماده معدوم کردن، مخفی نمودن یا دادن نوشته‌ها، اوراق و اسنادی که حسب وظیفه به قضات سپرده شده است به اشخاصی که از دادن به آنها ممنوع می‌باشند علاوه بر مجازات حبس موجب محکومیت قاضی مذکور به جبران خسارت وارده نیز می‌شود.

نکته‌ای که در رابطه با مواد فوق قابل ذکر می‌باشد این است که با توجه به اینکه خسارت موضوع مواد مذکور در اثر ارتکاب جرائم وارد می‌شود، با خسارت موضوع ماده ۳۰ ق. ن. ب. ر. ق که ناشی از اشتباه یا تقصیر می‌باشد متفاوت بوده و ضرورتی به احراز عمدی بودن خسارت موضوع این مواد توسط دادگاه انتظامی قضات نمی‌باشد. زیرا احراز اشتباه یا تقصیر موضوع ماده ۳۰ قانون مذکور صرفاً راجع به جبران خسارت توسط قضات در انجام وظایف حرفه‌ای است و خسارت موضوع مواد ۵۳۴، ۵۹۷ و ۶۰۴ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) در رابطه با امر کیفری و پس از احراز وقوع جرم عمدی در مرجع کیفری صالح قابل مطالبه می‌باشد.

۴-۲-۲-۳- قانون آیین دادرسی کیفری

مطابق مواد ۲۵۵ لغایت ۲۶۱ قانون آیین دادرسی کیفری، اشخاصی که در جریان تحقیقات مقدماتی و دادرسی به هر علت بازداشت شده و حکم برائت یا قرار منع تعقیب آنان صادر شود می‌توانند ظرف شش ماه از تاریخ ابلاغ رأی قطعی حاکی از بی‌گناهی خود، درخواست جبران خسارت ناشی از ایام بازداشت را علیه دولت به

بررسی نحوه مطالبه خسارت ناشی از اشتباه یا تقصیر قاضی در حقوق موضوعه ایران..... ۳۳۱

کمیسیون استانی متشکل از سه نفر از قضات دادگاه تجدیدنظر استان تقدیم نمایند. رسیدگی به اعتراض شخص بازداشت شده، در کمیسیون ملی جبران خسارت متشکل از رئیس دیوان عالی کشور یا یکی از معاونان وی و دو نفر از قضات دیوان عالی کشور به عمل می آید. مطالبه خسارت موضوع مواد مذکور شامل قرار موقوفی تعقیب و بازداشت شاهد و مطلع نمی شود. «از آنجا که در مورد شاهد یا مطلع حکم برائت یا قرار منع تعقیب صادر نمی شود، این افراد به دلیل جلب خود در اجرای تبصره ۱ ماده ۲۰۴ نمی توانند براساس ماده ۲۵۵ مطالبه خسارت کنند و اگر پرونده متهم منتهی به صدور قرار موقوفی تعقیب نیز شده باشد، به دلیل عدم اظهارنظر ماهوی در مورد ارتکاب یا عدم ارتکاب عمل مجرمانه توسط متهم، وی سزاوار جبران خسارت دانسته نشده است.» (خالقی، ۱۳۹۷/۱: ۱۲) در صورتی که بازداشت به علت تقصیر مقامات قضایی باشد، پس از جبران خسارت از طریق صندوقی که به این منظور در وزارت دادگستری تأسیس می شود دولت می تواند به اشخاص مذکور مراجعه نماید.

پرسشی که در این خصوص مطرح می باشد این است که پس از محکومیت دولت به پرداخت خسارت و مراجعه به قضاتی که در اثر تقصیر آنها به اشخاص خسارت وارد شده است کدام مرجع صلاحیت رسیدگی به دعوای جبران خسارت را دارد. در پاسخ باید گفت با توجه به اینکه برابر ماده ۲۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری خسارت ایام بازداشت موضوع این ماده با رعایت ماده ۱۴ قانون مذکور شامل خسارات مادی، معنوی و ممکن الحصول می باشد و ماده ۳۰ ق. ن. ب. ر. ق بطور مطلق رسیدگی به دعوای جبران خسارت ناشی از اشتباه یا تقصیر قاضی را پس از احراز تقصیر یا اشتباه در دادگاه عالی در صلاحیت دادگاه عمومی تهران دانسته است، بنابراین مرجع صالح رسیدگی به دعوای جبران خسارت موضوع ماده ۲۵۹ قانون آیین دادرسی کیفری دادگاه عمومی تهران بوده و احراز تقصیر یا اشتباه قاضی در دادگاه عالی انتظامی قضات ضروری می باشد.

۳۳۲.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره چهل و یکم، پاییز ۱۳۹۷

۵-۲-۳- قانون ثبت اسناد و املاک

ماده ۷۳ قانون ثبت اسناد و املاک مقرر داشته: «قضات و مأمورین دیگر دولتی که از اعتبار دادن به اسناد ثبت شده استنکاف نمایند در محکمه انتظامی یا اداری تعقیب می‌شوند و در صورتی که این تقصیر قضات یا مأمورین بدون جهت قانونی باشد و به همین جهت، ضرر مسلم نسبت به صاحبان اسناد رسمی متوجه شود محکمه انتظامی یا اداری علاوه بر مجازات اداری، آن‌ها را به جبران خسارات وارده نیز محکوم خواهد نمود.» پرسشی که در اینخصوص مطرح می‌شود این است که رسیدگی به دعوی مطالبه خسارت ناشی از تقصیر قضات موضوع این ماده با دادگاه عالی است یا با دادگاه حقوقی. در پاسخ باید گفت با توجه به اینکه دادگاه حقوقی مرجع صالح در رسیدگی به دعاوی جبران خسارت می‌باشد و متقاضی باید جهت مطالبه خسارت با تقدیم دادخواست به این دادگاه مراجعه نماید و دادگاه انتظامی قضات نیز یک مرجع انتظامی و ذاتاً صلاحیت رسیدگی به دعاوی حقوقی و جبران خسارت را ندارد، بنابراین دعوی مطالبه خسارت ناشی از تقصیر قضات، موضوع این ماده پس از احراز تقصیر در دادگاه عالی با دادگاه حقوقی تهران می‌باشد.

۶-۲-۳- قانون نظارت بر رفتار قضات

ماده ۳۰ ق. ن. ب. ر. ق مقرر داشته: «رسیدگی به دعاوی جبران خسارت ناشی از اشتباه یا تقصیر قاضی موضوع اصل یکصد و هفتاد و یکم قانون اساسی در صلاحیت دادگاه عمومی تهران است. رسیدگی به دعاوی مذکور در دادگاه عمومی منوط به احراز تقصیر یا اشتباه قاضی در دادگاه عالی است.» به موجب ماده ۲۵ آیین نامه اجرایی قانون مذکور دادگستری تهران مکلف است یکی از شعب دادگاه‌های عمومی حقوقی را که قاضی آن از تجربه و تخصص لازم برخوردار باشد جهت رسیدگی به دعاوی موضوع این ماده اختصاص دهد. لکن رسیدگی به این دعوا منوط به این است که ابتدا تقصیر یا اشتباه قاضی در دادگاه عالی احراز شود.

بررسی نحوه مطالبه خسارت ناشی از اشتباه یا تقصیر قاضی در حقوق موضوعه ایران..... ۳۳۳

۴- نحوه رسیدگی به دعوی مطالبه خسارت ناشی از اشتباه یا تقصیر قاضی

در این قسمت به مراحل رسیدگی به دعوی مطالبه خسارت ناشی از اشتباه یا تقصیر قاضی در دادگاه عالی انتظامی قضات و دادگاه عمومی تهران پرداخته می‌شود.

۴-۱- دعوی احراز اشتباه یا تقصیر در دادگاه عالی انتظامی قضات

مطابق ماده ۳۰ ق. ن. ب. ر. رسیدگی به دعوی جبران خسارت ناشی از اشتباه یا تقصیر قاضی موضوع ۱۷۱ قانون اساسی در صلاحیت دادگاه عمومی تهران است. رسیدگی به دعوی مذکور در دادگاه عمومی منوط به احراز تقصیر یا اشتباه در دادگاه عالی است. دعوی مطالبه خسارت علیه قضات در صورتی که خسارت ناشی از اشتباه یا تقصیر حرفه‌ای آنان و در نتیجه انجام وظایف قضایی یا به مناسبت آن باشد، پس از احراز اشتباه یا تقصیر در دادگاه عالی، قابل رسیدگی در دادگاه عمومی می‌باشد، بدین شرح که ابتدا باید اشتباه یا تقصیر در دادگاه عالی احراز و پس از آن دادگاه عمومی مجاز به رسیدگی به این دعوی می‌شود. «بنابراین، زیان دیده باید ابتدا به این دادگاه برای اثبات تقصیر دادرس شکایت کند، سپس بر مبنای آن برای جبران خسارت به دادگاههای عمومی برود.» (کاتوزیان، ۱۳۶۶ : ۳۷۲)

در صورتیکه مدعی، مبادرت به تقدیم دادخواست مطالبه خسارت به دادگاه عمومی تهران کند دادگاه مذکور مراتب را به دادگاه عالی اعلام می‌نماید. دادگاه عالی پس از بررسی موضوع در صورت احراز اشتباه یا تقصیر، نتیجه را به دادگاه عمومی تهران اعلام تا برابر مقررات مبادرت به رسیدگی نماید. چنانچه دادگاه عالی اشتباه یا تقصیر قاضی را احراز نکند دادگاه عمومی تهران دادخواست مطالبه خسارت را بایگانی می‌کند، تصمیم دادگاه انتظامی در هر صورت قطعی است. قانونگذار جهت رسیدگی به تخلفات قاضی در ماده ۲۷ و در خصوص اظهار نظر راجع به تعلیق قاضی در تبصره ۲ ماده ۳۹ ق. ن. ب. ر. ق به اخذ توضیح و دعوت از وی پرداخته، لکن به لزوم دعوت جهت

۳۳۴.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره چهل و یکم، پاییز ۱۳۹۷

احراز اشتباه یا تقصیر در دادگاه عالی اشاره‌ای نکرده‌است. بر این اساس دعوت از قاضی برای دادگاه عالی امری اختیاری است و می‌تواند از قاضی مورد نظر دعوت و پس از اخذ دفاعیات وی یا بدون دعوت از او مبادرت به اتخاذ تصمیم کند. بر اساس اصول کلی حقوقی چون احراز تقصیر یا اشتباه قاضی مجوز ورود به دعوای جبران خسارت می‌باشد، دعوت از نامبرده و اخذ دفاعیات وی با اصول حقوقی سازگارتر است. همچنین رسیدگی به دعوی مطالبه خسارت ناشی از غیر وظایف حرفه‌ای قضات مانند سایر اشخاص برابر قانون آیین دادرسی مدنی در دادگاه عمومی صالح به عمل می‌آید.

شعبه اول دادگاه عالی انتظامی قضات برابر دادنامه شماره ۸۰۴-۹۷/۱۰/۸ با این استدلال که وکیل محکوم‌علیها، نامبرده را از نقض دادنامه مبنی بر محکومیت وی به شلاق حدی مطلع نکرده و با مراجعه مشارالیها به اجرای احکام و اصرار بر اجرای حکم موجب سهو و اشتباه قاضی موردنظر در اجرای حکم شلاق شده‌است به احراز اشتباه قاضی اظهارنظر نموده‌است.

همچنین شعبه مذکور به موجب دادنامه‌های شماره ۶۶۴ و ۶۶۵-۹۷/۸/۲۹ با این استدلال که علیرغم اقرار احدی از متهمان، صدور قرار تأمین نامتناسب موجب متواری شدن آنان و عدم اجرای رأی دادگاه و تضييع حق شاکی شده‌است به تقصیر قضات مذکور اظهارنظر نموده‌است.

۲-۴- دعوی مطالبه خسارت در دادگاه عمومی «حقوقی»

برابر ماده ۳۰ ق. ن. ب. ر. ق رسیدگی به دعوای جبران خسارت ناشی از اشتباه یا تقصیر قاضی در صلاحیت دادگاه عمومی تهران است و به موجب ماده ۲۵ آیین‌نامه اجرایی این قانون، دادگستری تهران مکلف است یکی از شعب دادگاه‌های عمومی حقوقی را که قاضی آن از تجربه و تخصص لازم برخوردار باشد جهت رسیدگی به دعوای موضوع این ماده اختصاص دهد. با توجه به ماده ۳۰ قانون مذکور که مقرر

بررسی نحوه مطالبه خسارت ناشی از اشتباه یا تقصیر قاضی در حقوق موضوعه ایران.....۳۳۵

داشته رسیدگی به دعوی جبران خسارت در دادگاه عمومی منوط به احراز تقصیر یا اشتباه در دادگاه عالی است به لحاظ اهمیت شغل قضا و حرفه‌ای بودن آن، ابتدا باید تقصیر یا اشتباه قاضی در دادگاه عالی انتظامی قضات که یک مرجع تخصصی جهت رسیدگی به تخلفات قضات می‌باشد، احراز و پس از آن، دادگاه عمومی تهران مجاز به رسیدگی به دعوی مطالبه خسارت می‌باشد.

احراز تقصیر یا اشتباه قاضی توسط دادگاه عالی تنها مجوز رسیدگی به این دعوی در دادگاه عمومی است و پس از احراز تقصیر یا اشتباه در دادگاه عالی، دادگاه عمومی مکلف به رسیدگی به دعوی مذکور می‌باشد، لکن ملزم به محکومیت قاضی به جبران خسارت نبوده بلکه برابر قوانین و مقررات مربوطه به‌طور مستقل و ورود در ماهیت دعوی مبادرت به رسیدگی نموده و دعوای مذکور را پذیرفته یا رد می‌کند، زیرا دادگاه عالی تنها اشتباه یا تقصیر قاضی را از این جهت که قوانین و مقررات مربوطه در انجام وظایف حرفه‌ای را رعایت نموده، بررسی می‌نماید و احراز رابطه علیت بین فعل قاضی و ورود خسارت با دادگاه حقوقی است. «وجود رابطه سببیت بین فعل قاضی (اشتباه یا تقصیر او) و ضرری که وارد شده است، ضروری است. یعنی باید بر حسب عرف قضائی این رابطه احراز گردد و اثبات آن با مدعی است. زیرا اصل برائت و لزوم حفظ نظم قضائی اقتضای آن را دارد کسی که مدعی است از فعل قاضی خسارت به وی وارد شده است باید وقوع خسارت و ارتکاب آن توسط قاضی را ثابت کند» (پروین، ۱۳۸۲: ۱۵)

در مورد رسیدگی به دعوی جبران خسارت وارده از سوی قاضی، این پرسش مطرح می‌باشد که مدعی ابتدا باید به دادگاه عالی مراجعه و پس از احراز تقصیر یا اشتباه در دادگاه عالی برای مطالبه خسارت در دادگاه عمومی طرح دعوی نماید یا ابتدا باید به دادگاه عمومی مراجعه و دادگاه مذکور رسیدگی به دعوی را منوط به احراز تقصیر یا اشتباه در دادگاه عالی کند. در اینخصوص قسمت اخیر ماده ۳۰ ق. ن. ب. ر. ق رسیدگی به دعوای مذکور در دادگاه عمومی را منوط به احراز تقصیر یا اشتباه در

۳۳۶.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره چهل و یکم، پاییز ۱۳۹۷

دادگاه عالی دانسته و ماده ۲۴ آیین‌نامه اجرایی مقرر داشته مدعی باید بدواً حسب مورد به دادرسی یا دادگاه عالی مراجعه نماید. جهت مراجعه ابتدایی به دادگاههای مذکور قانون و آیین‌نامه با یکدیگر مطابقت نداشته و بین آنها تعارض وجود دارد. در پاسخ باید گفت باتوجه به اینکه اصولاً آیین‌نامه نباید با قانون مغایر بوده یا آن را توسعه دهد لازم است آیین‌نامه در اینخصوص اصلاح شود و قبل از اصلاح آیین‌نامه برابر ماده ۳۰ قانون، مدعی باید دعوی خود را ابتدا در دادگاه عمومی اقامه نموده و دادگاه مذکور، رسیدگی به دعوی را منوط به احراز تقصیر یا اشتباه در دادگاه عالی نموده و پس از احراز تقصیر یا اشتباه در دادگاه عالی با ورود به ماهیت دعوی مبادرت به رسیدگی می‌نماید.

برابر تبصره ذیل ماده ۳۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری چنانچه به علت اشتباه قاضی خسارت موضوع ماده ۳۰ ق. ن. ب. ر. ق از بیت‌المال مطالبه شود، دادگاه رسیدگی کننده از دستگاه پرداخت کننده دیه یا خسارت که وزارت دادگستری است به منظور دفاع از حقوق بیت‌المال برای جلسه رسیدگی دعوت می‌کند. دستگاه پرداخت کننده خسارت حق تجدیدنظرخواهی از رأی دادگاه حقوقی را دارد. همچنین به موجب تبصره ذیل ماده ۳۰ ق. ن. ب. ر. ق تصمیم مراجع انتظامی مبنی بر تعلیق تعقیب یا موقوفی تعقیب انتظامی یا عدم شکایت شاکی در خصوص جنبه انتظامی و عدم تشکیل پرونده انتظامی درخصوص قاضی مانع رسیدگی دادگاه عالی به اصل وقوع تقصیر یا اشتباه قاضی نمی‌باشد.

شعبه ۲۰۸ دادگاه عمومی (حقوقی) تهران برابر دادنامه شماره ۹۸/۱۱/۶-۹۸۰۹۹۷۲۱۶۳۳۰۱۴۲۶ پس از احراز اشتباه قاضی از سوی دادگاه عالی انتظامی قضات در خصوص دعوی مطالبه خسارت ناشی از اشتباه به شرح ذیل اتخاذ تصمیم نموده است:

در خصوص دعوی به طرفیت قاضی دادگستری شهرستان و وزارت دادگستری به خواسته صدور حکم مبنی بر محکومیت خواندگان به پرداخت خسارات

بررسی نحوه مطالبه خسارت ناشی از اشتباه یا تقصیر قاضی در حقوق موضوعه ایران.....۳۳۷

به علت اشتباه قاضی در اجرای رأی موضوع پرونده کلاسه با جلب نظر کارشناس، خلاصه ادعای خواهان این است که به موجب دادنامه شماره مورخ شعبه ۴۱ دیوان عالی کشور از اتهام وارده برائت حاصل نموده لکن در مرحله اجرای حکم خانم به عنوان قاضی مجری حکم بدون توجه به حکم نهایی دیوان عالی کشور اقدام به اجرای مجازات شلاق نموده است که در اثر اجرای حکم دچار صدمات روحی و جسمی فراوان شده اند لذا تقاضای محکومیت خواندگان به جبران خسارت وارده را دارد، با استماع توضیحات در جلسه دادرسی و ملاحظه دادنامه صادره از سوی شعبه اول دادگاه عالی انتظامی قضات که به موجب آن اقدام قاضی مجری حکم از حیث انتظامی تخلف و در حد اهمال احراز شده است و از حیث احراز تقصیر و اشتباه به جهت فقدان سوءنیت و عمدی نبودن اقدام قاضی اجرای احکام و لحاظ علل و عواملی که موجب وقوع سهو و اشتباه در اقدام وی گردیده است نتیجتاً به وقوع اشتباه در زدن ۱۰۰ ضربه شلاق به خانم..... اظهار نظر نموده است، همچنین ملاحظه نظریه کارشناس رسمی دادگستری که با اوضاع و احوال محقق و معلوم مورد کارشناسی نیز مطابقت دارد دعوی خواهان را محمول بر صحت و متکی بر دلیل تشخیص و با استناد به ماده ۳۰ قانون نظارت بر رفتار قضات و ماده ۲۴ آئین نامه اجرایی قانون مذکور و اصل ۱۷۱ قانون اساسی حکم بر محکومیت وزارت دادگستری به پرداخت سیزده درصد دیه کامل در حق خواهان صادر و اعلام می نماید و نسبت به خواننده ردیف اول به جهت عدم توجه دعوی با استناد به بند ۴ ماده ۸۴ قانون آئین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی قرار رد دعوی صادر می نماید. رأی صادره حضوری و ظرف ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ قابل تجدیدنظرخواهی در محاکم تجدیدنظر مرکز استان تهران می باشد.

رأی صادره از جهات ذیل قابل نقد می باشد:

۱- خواهان خواسته خود را بطور مطلق اعم از خسارت مادی و معنوی مطالبه نموده و در متن رأی نیز اعلام شده که نامبرده مدعی است در اثر اجرای حکم دچار صدمات روحی و جسمی فراوان شده ام و برابر قوانین مربوطه خسارت معنوی نیز همانند

۳۳۸.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره چهل و یکم، پاییز ۱۳۹۷

خسارت مادی قابل مطالبه می‌باشد، لکن دادگاه بدون توجه به خسارت معنوی تنها خسارت مادی را مورد حکم قرار داده‌است.

۲- براساس نظر کارشناس، موضوع حکم جراحات یا صدمات ناشی از اجرای شلاق بر بدن خواهان به عنوان دیه می‌باشد لکن نوع جراحات یا صدمات و مینا و ملاک محاسبه آن مشخص نشده‌است.

۳- دادگاه در صدور رأی به قوانین اساسی و نظارت بر رفتار قضات که به جنبه شکلی و نحوه رسیدگی پرداخته‌اند استناد نموده در صورتیکه استناد به قوانین ماهوی نیز ضروری بوده‌است.

شعبه ۲۰۶ دادگاه عمومی (حقوقی) تهران نیز به موجب دادنامه شماره ۰۴۷۰ مورخ ۹۱/۶/۱۲ درخصوص مطالبه خسارت ناشی از تقصیر قاضی به لحاظ اینکه رسیدگی به دعوی منوط به احراز تقصیر در دادگاه عالی می‌باشد و دلیلی بر احراز تقصیر از سوی دادگاه عالی ارائه نشده حکم بر بی‌حقی خواهان صادر نموده‌است. با تجدیدنظرخواهی خواهان از دادنامه مذکور شعبه ۴۳ دادگاه تجدیدنظر استان تهران برابر دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۴۳۰۰۰۴۶ - ۹۲/۱/۳۱ دادنامه تجدیدنظرخواسته را تأیید نموده‌است.

نقدی که به آراء صادره از سوی شعب بدوی و تجدیدنظر وارد می‌باشد این است که برابر ماده ۳۰ ق. ن. ب. ر. ق. پس از اقامه دعوی از سوی خواهان دادگاه بدوی مکلف بوده جهت اظهارنظر در خصوص تقصیر قاضی مراتب را به دادگاه عالی اعلام و پس از اعلام نظر این دادگاه مبادرت به رسیدگی و اتخاذ تصمیم کند، لکن دادگاه بدوی در اینخصوص به تکلیف قانونی خود عمل نکرده و دادگاه تجدیدنظر نیز به آن توجه نداشته‌است.

بررسی نحوه مطالبه خسارت ناشی از اشتباه یا تقصیر قاضی در حقوق موضوعه ایران.....۳۳۹

۵- حقوق تطبیقی

در خصوص مسئولیت مدنی قضاات و امکان مطالبه خسارت ناشی از اشتباه یا تقصیر آنها، علاوه بر سیستم حقوقی ایران که به شرح فوق مورد مطالعه قرار گرفت به طور مختصر به این موضوع در برخی از سیستمهای حقوقی دیگر اشاره می‌کنیم.

۵-۱- آمریکا

در حقوق آمریکا چنانچه قضاات به هر طریق حتی با سوءنیت و به عمد در انجام وظایف حرفه‌ای خود به اصحاب دعوی خسارت وارد نمایند تحت هیچ عنوانی نمی‌توان علیه آنها اقامه دعوی نمود و در انجام وظایف قضائی از مصونیت مطلق برخوردار می‌باشند. «مصونیت قضاات از مسئولیت مدنی صرفاً محدود به تصمیمات و اعمال قضائی آنها می‌باشد و بنابراین شامل اعمال غیرقضائی یا اقدامات اداری آنها که مربوط به جریان و شغل و وظیفه قضائی قضاات نباشد نمی‌گردد. برای تشخیص اینکه کدام تصمیم قاضی قضائی و کدام اقدام غیرقضائی است گفته شده باید ماهیت عمل و تصمیم را بررسی نمود ولی اصل بر این است که عمل قضائی می‌باشد مگر اینکه غیرقضائی بودن آن ثابت شود. (جللیوند، ۱۳۷۳: ۱۶)

۵-۲- انگلستان

از آنجا که سیستم حقوقی انگلستان به عنوان منشا و مادر حقوق آمریکاست، در خصوص مسئولیت مدنی قضاات تفاوت چشمگیری به چشم نمی‌خورد. در هر دو سیستم قضاات از مصونیت قضائی بسیار بالایی برخوردارند و اثبات مسئولیت برای ایشان در عمل امکان‌پذیر نیست و یا به سختی و در موارد بسیار نادر صورت می‌گیرد. در انگلستان تنها جایی که قاضی خارج از صلاحیت قضائی خویش عمل کرده باشد، حسب ماده ۴۵ قانون قضاات صلح مصوب ۱۹۷۹، مسئول جبران خسارت ناشی از دادرسی است و الا هر چند تصمیم او ناشی از تقصیر یا سوءنیت باشد مسئولیتی نخواهد داشت. (محمدی مطلق، ۱۳۹۱: ۳)

۳۴۰.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره چهل و یکم، پاییز ۱۳۹۷

۳-۵- فرانسه

ماده ۵۰۵ قانون دادرسی مدنی فرانسه موارد امکان مطالبه خسارت از قضات را محدود به ۵ مورد نموده و مقرر داشته در موارد ذیل می‌توان علیه قضات به علت تقصیر در انجام وظیفه شکایت کرد:

۱- اگر قاضی در انجام وظیفه خود تدلیس یا تقلب یا اختلاس یا تقصیر عمده شغلی مرتکب و سبب خسارت گردد.

۲- در مواردی که قوانین خاص شکایت از قاضی را تجویز می‌کنند.

۳- اگر قانون قاضی را مسئول جبران خسارت وارده بداند.

۴- اگر استنکاف از احقاق حق صورت بگیرد.

دولت نسبت به ورود خسارت از اعمال مذکور مسئولیت دارد و پس از جبران آن باید به قاضی مراجعه کند و این امکان مطالبه خسارت علیه قضات نشسته و ایستاده وجود دارد.

به طوری که ملاحظه می‌شود در حقوق فرانسه مطالبه خسارت از قاضی به پنج مورد محدود شده است و در سایر موارد امکان مطالبه خسارت وجود نداشته و قاضی از مصونیت برخوردار می‌باشد که با عدالت منطبق نمی‌باشد. «در فرانسه مسئولیت مدنی قاضی در صورتی محقق می‌شود که مرتکب تقصیر شخصی شده باشد. اما در اینصورت نیز متضرر باید علیه دولت اقامه دعوی مسئولیت نماید. دولت، در صورت محکومیت، خسارت متضرر را جبران می‌نماید اما می‌تواند علیه قاضی مقصر، به منظور مطالبه وجه پرداخت شده اقامه دعوا نماید. دعوی دولت علیه قاضی در اینخصوص در صلاحیت انحصاری شعبه مدنی دیوان عالی کشور است.» (شمس، ۱۳۸۸/۱: ۱۹۲)

بررسی نحوه مطالبه خسارت ناشی از اشتباه یا تقصیر قاضی در حقوق موضوعه ایران..... ۳۴۱

۴-۵- ایتالیا

در ایتالیا با تصویب قانون مسئولیت مدنی در ۱۹۸۸ با کد ۱۱۷/۱۹۸۸ نظارت و کنترل وزارت دادگستری بر دادخواستهای مطروحه علیه قضات از بین رفت و پذیرش و عدم پذیرش ادعای مطروحه تنها بر نظر هیأتی از خود قضات موکول گردید. دادخواست علیه دولت مطرح می شود البته دولت می تواند پس از صدور حکم محکومیت و پرداخت محکوم به، به موجب مقررات مواد ۷ و ۸ قانون یاد شده رأساً علیه قاضی متخلف طرح دعوی نماید. (داورنیا، ۱۳۸۵ : ۱۴۱)

نتیجه گیری:

مطالبه خسارت ناشی از اشتباه یا تقصیر قاضی موضوع این پژوهش، زمانی است که خسارت به واسطه انجام وظایف حرفه‌ای قاضی باشد. در قانون اساسی مشروطه سال ۱۲۸۵ هیچگونه اشاره‌ای به نحوه مطالبه خسارت ناشی از اشتباه یا تقصیر قاضی نشده است. در قوانین قبل از انقلاب نیز تنها در ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی به عمد یا بی احتیاطی کارمندان دولت که قضات نیز جزء آنان می باشند پرداخته شده و براساس این قانون به هیچ دعوایی دایر بر مطالبه خسارت علیه قضات رسیدگی نشده است. پس از انقلاب، اصل ۱۷۱ قانون اساسی به امکان مطالبه ضرر مادی یا معنوی ناشی از اشتباه یا تقصیر قاضی اشاره نموده لکن نص صریحی مبنی بر لزوم احراز اشتباه یا تقصیر از سوی دادگاه انتظامی قضات وجود نداشت، هرچند نظر حقوقدانان بر این بود که به لحاظ تخصصی بودن امر قضا، احراز وقوع تقصیر یا اشتباه قاضی در دادگاه عالی قبل از رسیدگی به دعوی مطالبه خسارت در دادگاه حقوقی ضروری است. با تصویب قانون نظارت بر رفتار قضات سال ۱۳۹۰ قانونگذار صراحتاً در ماده ۳۰ این قانون و ماده ۲۴ آیین نامه اجرایی آن رسیدگی به دعوی جبران خسارت ناشی از اشتباه یا تقصیر قاضی، موضوع اصل ۱۷۱ قانون اساسی را منوط به احراز تقصیر یا اشتباه در دادگاه عالی دانسته است. برابر قوانین فعلی در صورتی که قاضی در انجام وظایف حرفه‌ای خود، در اثر اشتباه یا تقصیر، خسارتی به دیگران وارد کند خسارت وارده باید جبران شود و

۳۴۲.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره چهل و یکم، پاییز ۱۳۹۷

رسیدگی به این دعوی در صلاحیت دادگاه عمومی تهران می‌باشد و قبل از رسیدگی توسط این دادگاه، احراز اشتباه یا تقصیر قاضی در دادگاه عالی ضروری است.

جهت مطالبه خسارت ناشی از اشتباه یا تقصیر قاضی مدعی باید ابتدا به دادگاه عمومی تهران مراجعه و دادگاه مذکور رسیدگی به دعوی را منوط به احراز تقصیر یا اشتباه در دادگاه عالی دانسته و مراتب را به این دادگاه اعلام می‌نماید. در صورت احراز اشتباه یا تقصیر در دادگاه عالی و تجویز رسیدگی توسط این دادگاه، دادگاه عمومی برابر مقررات آیین دادرسی و بطور مستقل و ورود در ماهیت، به دعوی مذکور رسیدگی و علی‌رغم احراز اشتباه یا تقصیر از سوی دادگاه عالی، دعوی مطالبه خسارت را پذیرفته یا آن را رد می‌کند. به عبارت دیگر با وجود احراز اشتباه یا تقصیر از سوی دادگاه عالی، دادگاه عمومی الزامی به محکومیت قاضی موردنظر به جبران خسارت ندارد.

در منابع فقهی هرچند صراحتاً به اشتباه یا تقصیر قاضی که منجر به ایراد خسارت به دیگران شود اشاره نشده، لکن قرآن کریم و سایر منابع مذکور هرگونه خسارت به افراد را ممنوع و جبران آن را لازم دانسته‌اند. بر اساس قوانین موضوعه نیز احراز عمدی بودن تصمیم قاضی موضوع ماده ۱۳ قانون مجازات اسلامی و احراز عمد یا تقصیر موضوع ماده ۴۸۶ قانون مذکور و نیز احراز عمدی بودن خسارت ناشی از جرائم موضوع مواد ۵۳۴، ۵۹۷ و ۶۰۴ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) با مرجع صالح کیفری است. احراز تقصیر یا اشتباه قاضی موضوع مواد ۱۳ قانون مجازات اسلامی، ۲۵۹ قانون آیین دادرسی کیفری و ۷۳ قانون ثبت اسناد و املاک و سایر مواردی که در اثر اشتباه یا تقصیر قاضی به افراد خسارت وارد می‌شود برابر اصل ۱۷۱ قانون اساسی و ماده ۳۰ قانون نظارت بر رفتار قضات با دادگاه عالی انتظامی قضات می‌باشد. در پایان نظر به اینکه قسمت اخیر ماده ۳۰ ق. ن. ب. ر. ق رسیدگی به دعوی مطالبه خسارت در دادگاه عمومی را منوط به احراز تقصیر یا اشتباه در دادگاه عالی دانسته و ماده ۲۴ آیین نامه اجرایی این قانون مقرر داشته مدعی باید بدو حسب مورد به دادرسی یا دادگاه

بررسی نحوه مطالبه خسارت ناشی از اشتباه یا تقصیر قاضی در حقوق موضوعه ایران.....۳۴۳

عالی مراجعه نماید. جهت مراجعه اولیه مدعی به دادگاههای مذکور بین قانون و آیین نامه تعارض وجود دارد. در نتیجه باتوجه به اینکه آیین نامه نباید با قانون مغایر بوده، پیشنهاد می شود نسبت به اصلاح آیین نامه اقدام و قبل از اصلاح آن برابر ماده ۳۰ قانون، مدعی ابتدا در دادگاه عمومی اقامه نموده و دادگاه مذکور رسیدگی به دعوی را منوط به احراز تقصیر یا اشتباه در دادگاه عالی کند و پس از احراز تقصیر یا اشتباه در دادگاه عالی مبادرت به رسیدگی به دعوی مذکور نماید.

۳۴۴.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره چهل و یکم، پاییز ۱۳۹۷

منابع

افشار، حسن (۱۳۸۱)، مسئولیت مدنی قضاات در حقوق ایران و مصر، پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.

باریکلو، علی رضا (۱۳۸۷)، مسئولیت مدنی، چاپ دوم، تهران، نشر میزان.

پروین، فرهاد (۱۳۸۲)، خسارات معنوی در حقوق ایران، چاپ دوم، تهران، انتشارات ققنوس.

تقی زاده، ابراهیم، هاشمی، سید علی (۱۳۹۳)، مسئولیت مدنی «ضمان قهری»، چاپ چهارم، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور.

جلیلوند، یحیی (۱۳۷۳)، مسئولیت مدنی قضاات و دولت در حقوق ایران، فرانسه، آمریکا و انگلیس، تهران، نشر یلدا.

جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۶۷)، ترمینولوژی حقوق، چاپ دوم، تهران، انتشارات گنج دانش.

حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹)، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، جلد بیست و هفتم، قم، ناشر آل البیت.

(۱۴۱۴)، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، جلد نوزدهم، قم، ناشر آل البیت.

حسینی روحانی، سید محمد (۱۴۱۳)، منتقى الاصول، جلد پنجم، چاپ اول، قم، انتشارات دفتر آیت اله سید محمد حسین روحانی.

حسینی مراغه‌ای، سید میر عبد الفتاح (۱۴۱۷)، عناوین الفقهیّه، جلد دوم، چاپ دوم، قم، انتشارات نشر اسلامی.

خالقی، علی (۱۳۹۷)، آیین دادرسی کیفری، جلد اول، چاپ سی و هشتم، تهران، انتشارات شهر دانش.

بررسی نحوه مطالبه خسارت ناشی از اشتباه یا تقصیر قاضی در حقوق موضوعه ایران.....۳۴۵

داورنیا، رحیم(۱۳۸۵)، «مسئولیت مدنی قاضی در حقوق ایتالیا، فرانسه، ایالت متحده آمریکا و ایران»، مجله حقوقی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۷۴، شماره ۰.

سلطانی نژاد، هدایت اله (۱۳۷۶) بررسی تطبیقی مسئولیت مدنی قاضی»، نامه مفید، فصلنامه تخصصی دانشگاه مفید، سال سوم، شماره ۱۱.

شامبیاتی، هوشنگ(۱۳۷۸) **حقوق جزای عمومی**، جلد دوم، چاپ نهم، تهران، انتشارات ژوبین.

شریعت باقری، محمد جواد(۱۳۸۷) **ترجمه عناوین ضمان « اسباب و مسقطات »**، چاپ دوم، تهران، نشر میزان.

شمس، عبدالله(۱۳۸۱)، **آیین دادرسی مدنی**، جلد اول، چاپ دوم، تهران، نشر میزان. صانعی، پرویز(۱۳۷۱)، **حقوق جزای عمومی**، جلد دوم، چاپ چهارم، انتشارات گنج دانش.

صدوق، محمد بن علی بن بابویه(۱۴۱۴)، **من لا یحضر الفقیه**، جلد سوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

علامه طباطبایی، سید محمد حسین(۱۳۸۶)، **ترجمه تفسیر المیزان**، جلد چهارم، چاپ دوم، تهران، انتشارات محمدی.

عمید، حسن(۱۳۷۶)، **فرهنگ فارسی عمید**، چاپ دهم، تهران، انتشارات امیرکبیر.

عمید زنجانی، عباسعلی(۱۳۸۲)، **موجبات ضمان**، چاپ اول، تهران، نشر میزان.

کاتوزیان، ناصر(۱۳۸۲)، **الزامهای خارج از قراردادها**، جلد اول، چاپ سوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

(۱۳۶۶)، **علم مقدمه حقوق**، چاپ هشتم، تهران، انتشارات بهنشر.

- ۳۴۶.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره چهل و یکم، پاییز ۱۳۹۷
- لطفی، اسداله(۱۳۸۲)، قواعد فقه مدنی، چاپ دوم، همدان، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- لورراسا، میشل(۱۳۷۵)، مسئولیت مدنی، مترجم، محمد اشتری، چاپ اول، تهران، نشر حقوقدان.
- محمدی مطلق، علیرضا(۱۳۹۱)، مسئولیت مدنی قضات در نظام حقوق کامن‌لا، وبلاگ حقوق بین‌الملل عمومی دانشگاه قم.
- محقق داماد، سید مصطفی(۱۳۹۷)، قواعد فقه، بخش مدنی، چاپ پنجاهم، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی.
- مشکینی اردبیلی، علی(۱۳۷۴)، الاصول اصطلاحات و معظم ابحاثها، چاپ ششم، قم، دفتر نشر الهادی.
- هاشمی، محمد(۱۳۸۳)، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد دوم، چاپ نهم، تهران، نشر میزان.
- نجفی، محمدحسن(۱۳۹۳)، جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام، جلد چهارم، چاپ دوم، مؤسسه نشر اسلامی.
- نوری، میرزا حسین(۱۴۰۸)، مستدرک الوسائل، جلد سوم، باب نهم از کتاب غضب، قم، ناشر آل‌البیت.